

# ایرج افشار و تاریخ مطبوعات ایران

سید فرید قاسمی

اکنون بسیاری از مجسمه‌ها را در راهرو و سرسرای کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران می‌توان دید.

ایرج افشار از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ نمایشگاه و جلسه‌هایی علمی و فرهنگی برگزار کرد که خطابه‌های ارائه شده در این نشست‌ها، در آذرماه ۱۳۵۷ به عنوان مجموعه گفتارهایی دربارهٔ چندتن از رجال ادب و تاریخ ایران، به اهتمام قاسم صافی در ۵۳۲ صفحه رقیعی منتشر شد. «فهرست مراجع و منابع برای تحقیق در تاریخ روزنامه‌نگاری و مجله‌نویسی ایران» گردآورده ایرج افشار صفحه‌های پایانی کتاب یادشده را در بر می‌گیرد.

افشار با سرعت مجله‌نگارانه و دقت کتابدارانه سعی داشت همگان به ویژه دانشجویانی که ادواری‌ها را کالای دور ریختنی می‌پنداشتند، به مرجعیت و اهمیت مطبوعات در پژوهش‌ها متوجه کند. زخم زبان‌ها شنید، به بیهوده کاری متهم شد، اما از پای ننشست و استوار و پایدار به راه خود ادامه داد و موفق شد باور برخی که روزنامه را طفل یک روزه و عمر مجله را یک ماهه و سه ماهه می‌دانستند با کوشش‌های گوناگون و از جمله انتشار فهرست مقالات فارسی تغییر دهد. فهرست مقالات فارسی کارستانی است که نه بدنهٔ جامعه قدر آن رامی‌دانست و نه بسیاری از بزرگان پهنهٔ علم و دانش.

افشار، بارها گفت و نوشت: «از یادم سترده نمی‌شود که چون مجلدی از آن فهرست را به حضرت بدیع‌الزمان - دانشمند کم مانند عهد خود - تقدیم داشتم، پرسید "این چیست؟" گفتم در آن مشخصات مقاله‌های فارسی مربوط به تحقیقات ایرانی، برای دستیابی آسان پژوهندگان درج شده است. به ظرافت کلام و لطف سخن، به استواری فرمود: "مجله چیست که مقاله باشد." طبعاً چون آن نوع فهرست‌نگاری تازگی داشت در اذهان درست نمی‌نشست و کمتر می‌دانستند منظور چیست. از کلمهٔ فهرست آن چه به ذهن دانشمندان بزرگ ایران متبادر می‌شد، الفهرست ابن ندیم بغدادی و متشابهاً آن بود. در ادامهٔ کار، پشتیبان واقعی من دکتر محسن صبا، و مشوق من در چاپ جلد اول دکتر ذبیح‌الله صفا، و مؤید همیشگی ام محبت مجتبی مینوی بود که آن را مفید و واجب می‌دانستند. طبیعی است که چون فهرست آرام آرام جای خود را می‌یافت، در کار دلیر و گرم می‌شدم...».

گرفتاری‌های افشار برای تدوین و نشر فهرست مقالات فارسی یکی دو تا نبود. از دشواری فراهم‌آوری مجله‌ها و مجموعه‌ها شروع می‌شد تا به کمبود حروف در بزرگ‌ترین چاپخانهٔ کشور در آن روزگار می‌رسید. کسانی که در روزگار لو کس کاری پا به عرصهٔ چاپ و نشر گذارده‌اند و گارسه و ورساد را ندیده‌اند، باید مجسم کنند که چاپکار فقط می‌توانست یک فرم حروفچینی و چاپ کند. پس از چاپ یک فرم، باید نسخه‌های چاپی را به انبار انتقال می‌داد، صفحهٔ حروف را

حیات مطبوعاتی استاد ایرج افشار (۱۳۰۴-۱۳۸۹) به نشر مجله‌ها و مجموعه‌ها ختم نمی‌شود. آن چه او «در مطبوعات» به انجام رساند با کارنامه‌ای که «دربارهٔ مطبوعات» و یا «برای مطبوعات» بر جای نهاد، دو موضوع متفاوت است. کوشش‌های «تسوی مطبوعات» افشار با تلاش‌های «روی مطبوعات» او باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. به گرداندگی ۱۴ عنوان نشریهٔ ادواری و نویسنده‌گی برای ۱۴۵ نشریه در کتاب ایران شناس مجله‌نگار: زندگی و کارنامهٔ مطبوعاتی ایرج افشار و نیز دو مقالهٔ دیگر پرداخته‌ام، اما خدماتی که او «دربارهٔ مطبوعات» به انجام رسانده، موضوع دیگری است که در پی به آن اشاره می‌شود. تنوع و گستردگی فعالیت‌های افشار در زمینهٔ مطبوعات بی‌نظیر است. او از نخستین استادانی بود که به اهمیت چاپکرده‌های ادواری‌ها پی‌برد و برای مجموعه‌سازی، حفظ، نگاهداری، مرمت، آفت‌زدایی و اشاعهٔ اطلاعات مطبوعات خدمات بی‌مانندی به انجام رساند.

تا پیش از روزگار کتابداری افشار، مطبوعات در کتابخانه‌ها وضع اسفباری داشت. افشار بود که در دورهٔ مدیریت هفت ماههٔ خود بر کتابخانهٔ ملی، نشریه‌ها را از مخزن کتاب بیرون کشید و با بنیادگذاری بخش مطبوعات/نشریات ادواری که امروز «پیاپی‌ها» می‌نامندش، به روزنامه‌ها و مجله‌ها هویت بخشید. اکنون در کشور به ۶ مجموعهٔ غنی نشریات در کتابخانه‌های بالیم که ۲ مجموعه‌اش به همت افشار پدید آمده و سرمشق برای سایرین شده است.

روزگاری که ایرج افشار سکان کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران را برعهده گرفت، در یک و نیم دهه مدیریت خود با پشتکار پی‌گیرانه کارهایی که به سرانجام رساند می‌تواند الگوی نسل‌های گوناگون کتابداران ایرانی در همه عصرها شود. آن چه در ارتباط با مطبوعات از او در کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به یادگار مانده، مجموعه‌سازی حیرت‌انگیز همه‌جانبه است. هم کتابخانه‌های شخصی منحصراً به فراداز جمله مجموعهٔ نشریه‌های کتابخانهٔ شخصی زنده‌یاد محمد رضانی و دیگران را خریداری کرد و هم شیوه‌ای برگزید تا هر آن چه در دوران تصدی‌اش انتشار می‌یافت گرد آید. از یک سو میکروفیلم نشریه‌های چاپ ایران و جهان زبان فارسی که در داخل کشور موجود نبود را به ایران آورد و از سوی دیگر تا جایی که توانست نسخه‌های اصل روزنامه‌ها و مجله‌ها را در داخل و خارج کشور خریداری کرد تا مجموعه‌ای بی‌همتا پدید آید. زیر نظر خودش، مرتضی سلطانی کتابدار کتابخانهٔ مرکزی را به تدوین فهرست موجودی روزنامه‌ها و مجله‌ها گمارد که نتیجه‌اش دو جلد کتاب شد. از محمدعلی مددی (۱۳۲۱-۱۳۷۷) مجسمه‌ساز برجستهٔ آن روزگار، خواست تندیس و سردیس بزرگان علم و ادب و فرهنگ ایران و از جمله روزنامه‌نگاران و مجله‌نویسان را بسازد که

به هم می‌ریخت. حرف به حرف، حروف را به گار سه باز می‌گرداند تا بتواند فرم بعدی را حروفچینی کند و به ماشین ببندد. در چنین وضعیتی تصور بفرمایید که اگر همه کارها به خوبی پیش رفته باشد، افشار برای غلط‌گیری جلد اول فهرست مقالات فارسی چندبار به چاپخانه رفته است؟ دشواری‌های تدوین و نشر فهرست مقالات فارسی، سیاهه بلندبالایی دارد و در هر مجلد نیز نوبه نو بر آن افزوده شده، اما با وجود همه مانع‌ها، افشار ۵۴۳۹۷ مقاله را که در ۸۶ سال چاپ شده بود در ۶ مجلد عرضه کرد و خوشوقتانه ادامه کار بر زمین نماند و با نظر مساعد مسئولان مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و پیگیری‌های دکتر عنایت‌الله مجیدی و همت بلند ایران‌ناز کاشیان، مجلد هفتم با ۲۳۸۱۰ مدخل در دو «نیمه» زیر نظر «بنیاد گذار: ایرج افشار» منتشر شد و مجلدهای هشتم به بعد مراحل گوناگون را می‌گذراند.

افشار سال ۱۳۸۳ نگران سرنوشت فهرست مقالات فارسی بود اما نوروز ۱۳۸۹ که مجلد هفتم را دید نگرانی او در این زمینه رفع شد و برق شادی را در چشمانش می‌توانستیم ببینیم. با خنده می‌گفت: «فهرست مقالات عاقبت بخیر شد» و از سختکوشی، متانت، دقت و بسیاری از صفات پسندیده بانوی بزرگوار سرکار خانم ایران‌ناز کاشیان و همکارانشان تعریف می‌کرد. خجالت کشیدم که به استاد عرض کنم: معلوم شد شما هم ایران‌شناس هستید و هم ایران‌ناز‌شناس که ادامه کار را به او سپردید!

باری، فهرست‌نگاری مقاله‌های مطبوعات به وسیله افشار، به انتشار فهرست مقالات فارسی منحصر نیست. آنسی ۶۵ ساله با این مقوله داشت. هنوز ۲۰ سال از عمرش نگذشته بود که «فهرست مطالب مجله آینده» را در سال ۱۳۲۴ تنظیم کرد. فهرست مقالات حقوقی، فهرست مقالات ایران‌شناسی در زبان عربی، فهرست مقالات ایران‌شناسی در زبان اردو و... از دیگر کارهای اوست. افشار، افزون بر تدوین فهرست سالانه و در همکرد فهرست‌های مجله‌هایی که انتشار داد، اهمیت شیوه‌های بازیابی «مندرجات مطبوعات» را به دیگران یادآور می‌شد. از میان پایان‌نامه‌های تحصیلی دانشجویی که به راهنمایی و مشاورت او به انجام رسیده، شماری فهرست مقالات نیز می‌بینیم: «فهرست مشترک مجلات علوم خالص دانشگاه تهران»، «فهرست مجلات علوم عملی خارجی و فارسی کتابخانه‌های دانشگاه تهران و مؤسسات وابسته به آن»، «فهرست مقالات جغرافیایی ایران ۱۳۴۹-۱۳۳۷»، «فهرست راهنمای کتاب ۱۳۴۶-۱۳۳۷» و «حتی کتاب‌شناسی انتشارات دولتی تا سال ۱۳۲۰».

وی افزون بر خریداری مجموعه‌های شخصی برای کتابخانه‌ها و عضویت در هیئت تقویم کتابخانه‌ها و سندخانه‌ها برای خرید مطبوعات و اسناد مطبوعاتی، نقد و معرفی کتاب‌های درباره مطبوعات، زندگینامه و خاطره‌هایی که به مناسبت درگذشت مجله‌نگاران و روزنامه‌نگاران نوشته، مقدمه‌هایی که بر آثار مرتبط قلمی کرده، بیش از ۳۰ گفتار و نوشتار درباره مطبوعات به نگارش درآورده که سیاهه آن‌ها را در کتاب ایران‌شناس مجله‌نگار (صص ۷۹۷-۷۹۹) آورده‌ام. دو گفت و گو نیز با نگارنده درباره کارنامه مطبوعاتی و نگاهش به این مقوله داشته که در مجله‌های کلک و بخارا درج شده که باز چاپ گفت و گوی دوم را در تاریخ شفاهی مطبوعات

ایران هم می‌توان خواند. دیگر چاپکرده‌های افشار در نگاه نخست ممکن است مرتبط با مطبوعات نباشد اما با تورق‌شان در می‌یابیم حاوی نکته‌هایی در ارتباط با تاریخ روزنامه‌نگاری است که به شماری در پی اشاره می‌شود.

**اسناد:** اسناد و مدارک سید جمال‌الدین اسدآبادی، ظهیرالدوله، سید حسن تقی‌زاده، مستشارالدوله صادق، خاندان غفاری، امین‌الدوله... تا قبالة تاریخ و چاپ سند در مجله‌های گوناگون.

**خاطرات:** روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه سالور، روزنامه خاطرات عمادالسلطنه (زیر چاپ)، خاطرات سیاسی امین‌الدوله، زندگی طوفانی: خاطرات سید حسن تقی‌زاده، خاطرات اللهبیار صالح، خاطرات ابوالقاسم کسمایی، یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی، خاطرات حبیب یغمایی، خاطرات سید محمدعلی جمال‌زاده و...

**نامه:** نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده، نامه‌های پاریس، نامه‌های ادوار در برن او به تقی‌زاده، نامه‌های سیاسی دهخدا، نامه‌های سیاسی - نظامی امیر نظام گروسی، نامه‌های لندن، نامه‌های دوستان، نامه‌های تبریز، نامه‌های تهران، نامه‌های ارومیه، نامه‌های فروغ‌الدوله، برگ‌های جنگل، نامه‌های مشروطیت و مهاجرت، نامه‌های برلن (از بزرگ علوی به ایرج افشار) و نامه‌های ژنو (از سید محمدعلی جمال‌زاده به ایرج افشار) و...

**جشن‌نامه و یادنامه:** یادگار نامه حبیب یغمایی و یغمای سی و دوم، محیط ادب: مجموعه سی گفتار به پاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات سید محمد محیط طباطبایی، سخنوار: یادنامه دکتر پرویز نائل خانلری و...

**درگذشت‌نگاری:** به مناسبت در مجله‌های گوناگون می‌نوشت که بعدها در سواد و بیاض و نیز نادره کاران جمع شد. کافی است به این نکته توجه شود که او از آذر ۱۳۲۷ تا شهریور ۱۳۸۱، درباره ۶۱۰ نامور فرهنگی و ادبی سوگنامه‌هایی نوشته که گاه تنها مرجع زندگینامه‌نویسان و دانشنامه‌نگاران است.

**باز چاپ:** تجدید چاپ نشریه‌های کوه، مرآت السفر و مشکوة الحضر، از دوی همایون و نظارت بر باز چاپ گنجینه نشریات ادواری انتشارات اساطیر.

**گوناگون:** میرزا تقی‌خان امیرکبیر، المآثر و الآثار، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران و...

**مقدمه نویسی:** نگارش مقدمه و تاریخچه بر «فهرست ده ساله راهنمای کتاب» (۱۳۳۷-۱۳۴۶) و باز چاپ مجله، کارنامه فرهنگ ایران زمین و تجدید چاپ‌های مکرر، مقدمه‌نگاری بر فهرست روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی در مجموعه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، مجموعه گفتارهایی درباره چندتن از رجال ادب و تاریخ ایران، تذکره سخنوران نائین، تذکره شعرای بزرگ، رجال وزارت امور خارجه در عصر ناصری و مظفری، رجال عصر مشروطیت، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران و...

**عکس:** گنجینه عکس‌های ایران همراه با تاریخچه ورود صنعت عکاسی به ایران، چاپ و نشر عکس در مجله‌های گوناگون.

**خودنگاری:** کتاب خاطرات استاد ایرج افشار با عنوان «این دفتر بی‌معنی» و یادداشت‌های روزانه‌وی تاکنون چاپ نشده اما در لابه‌لای

نگارش‌های او شماری از خاطرات کتابدارانه و مجله‌نگارانه‌اش قابل استخراج است که سه نمونه در پی نقل می‌شود:

### ۱. روزنامه عصر صفویه و لایحه مطبوعات!

«[حدود سال ۱۳۵۶] نامه‌ای رسمی از یکی از اداره‌های وزارت اطلاعات و جهانگردی به دستم رسید که در آن تقاضا شده بود تا از هر چه روزنامه‌های دوره صفوی است، برای استفاده‌ای که مورد نظر داشتند عکس در اختیارشان گذاشته شود و دوبار هم این اصطلاح صفوی تکرار شده بود. شاید اگر یک بار بود تصور می‌کردم غلط ماشین‌نویس است. ولی وقتی کار به مذاکره تلفنی کشید و معلوم شد که خیر روزنامه‌های چاپی عصر صفوی [!] را مطالبه می‌کنند تعجب نکردم از این که سرو کار روزنامه‌نویسان با آن وزارتخانه است. لایحه مطبوعات به نحوی توسط آنان نوشته می‌شود که به درد زمان صفوی می‌خورد! (راهنمای کتاب، س ۲۱، ش ۷-۵، مرداد - مهر ۱۳۵۷، ص ۵۱۰).

### ۲. بیمارستان روزنامه‌ای

«یکی از دوستان بنادر جنوب نقل می‌کرد که بیست سال پیش [۱۳۴۳] هنگامی که یکی از نخست وزیران از بندر لنگه بازدید می‌کرد در مجلسی که جمعی از اعیان و معاریف شهر حضور داشتند آن نخست‌وزیر از پیرمردی متشخص می‌پرسد که این شهر چند بیمارستان دارد. آن پیرمرد نکته‌سنج می‌گوید دو تا. نخست وزیر می‌پرسد کدام‌هاست و در کجای شهر است تا از آن جا بازدید بشود. پیرمرد می‌گوید یکی در روزنامه اطلاعات است و یکی در کیهان! (آینده، س ۱۰، ش ۲-۳، اردیبهشت - خرداد ۱۳۶۳، ص ۱۵۹).

### ۳. روسنامه!

«چند سال پیش، از یکی از دوستان بابلی شنیدم به هنگام قدرت حزب توده در سال‌های ۱۳۲۵ - ۱۳۲۷ و در گرما گرم مبارزاتی که میان آن‌ها و مخالفانشان پیش آمده بود یکی از مخالفان در پاسخ یکی از رهبران آن حزب که سخنانی درباره اهمیت روزنامه‌های حزبی می‌گفت، گفته بود این‌ها "روزنامه نیست، روسنامه است" (آینده، س ۱۹، ش ۱۰-۱۲، دی - اسفند ۱۳۷۲، ص ۹۱۳).

**مجموعه شخصی:** بخشی از گنجینه پژوهشی استاد ایرج افشار در بردارنده مطبوعات است. وی در معرفی «اجزاء گنجینه» اش آورده است که «بخش خاصی از این گنجینه، به مجلات اساسی فارسی اختصاص دارد، این گنجینه دارای اغلب مجله‌های تحقیقی و دانشگاهی است. اغلب هم تجلید شده است مگر مجلات سال‌های ۱۳۷۰ به بعد که به سبب گرانی صحافی، دوره هر سال از هر مجله

جدا جدا بسته‌بندی شده است. تعداد مجلدات مجله‌ها حدود هزار مجلد است. فهرستی از این بخش مناسب است...».

آن چه به عنوان مجموعه مطبوعات گنجینه پژوهشی افشار به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی منتقل شد، همه گردآورده‌های او نیست. استاد افشار دهم دی ۱۳۸۷ به نگارنده این سطور گفت:

«پس از شهریور ۱۳۲۰ هر روزنامه‌ای که می‌دیدم منتشر شده یک نسخه می‌خریدم و مجموعه‌ای از نمونه‌نشریات آن دوره فراهم آوردم. تا این که خانه‌سازی پیش آمد. پول کم آوردم و ناچار شدم تعدادی از کتاب‌ها و روزنامه‌هایم را به یکی از کتابفروشان تهران بفروشم. اخیراً دکتر شفیع کدکنی تعریف می‌کرد که در دو دهه پیش در دانشگاه پرینستون مجموعه‌ای را دیده که از هر نشریه یک نسخه دارد. بلافاصله مشخصات مجموعه را گفتم. دکتر شفیع گفت: خودش است. گفتم مال من بود و داستان فروش آن را نقل کردم.»

آن چه گفته آمد اشاره به شماری از آثار پیدای افشار در عرصه تاریخ مطبوعات ایران بود. اما اثر ناپیدای او تقریظ‌نگاری‌ها و تشویق‌هایش در این زمینه است. شاید اگر ظرف بیست و اندی سال نگارش‌هایی

شوق برانگیز درباره کتاب‌هایم در مطبوعات به چاپ نمی‌رساند، رساله رابینو را برای تصحیح و حاشیه‌نگاری و چاپ در نهمواره د کتر محمود افشار یردی برایم نمی‌فرستاد و بر صفحه عنوان ده‌ها کتاب که به این کمترین مرحمت فرموده، جمله‌های مهرآمیز که به نوشته‌هایم اشاره داشت، نمی‌نوشت، شاید من هم تفننی به کار می‌پرداختم. دلگرمی‌های مدام استاد ایرج افشار که بیست و اندی سال پیوسته و ناگسسته استمرار پیدا کرد قطعاً در راهی که برگزیده‌ام تأثیر بسزایی داشت. روزی که متوجه می‌شد سردبیری نشریه‌ای سینمایی، ورزشی و یا اجتماعی را پذیرفته‌ام عصبانیتش را بروز می‌داد و می‌فرمود «... بی خود قبول کردی. کار تو مطبوعات و کتاب پژوهی است. روز و روزنومه‌نویسی رو ول کن...». همواره مرا از کارهای روزنامه‌نگارانه باز می‌داشت و هر گاه کتابی تازه منتشر می‌کردم خرسندی را در چهره‌اش به وضوح می‌دیدم.

به دقت در تنظیم و سرعت در نشر باور داشت. چون می‌دانست که از سال ۱۳۵۸ هر آن چه روزنامه و مجله منتشر شده، فهرست‌برداری کرده‌ام، هر گاه که خدمت‌شان می‌رسیدم زمان انتشار کتاب را می‌پرسید و با جمله تکراری‌ام که مشغول تکمیل فهرست هستم مواجه می‌شد. تا روزی که تاب‌نیاوردم و فرمود: «تحقیق یعنی نقص... فعلاً تا همین حدی که نوشته‌های منتشر کن...» و بر اثر همین گفته‌ها بود که راهنمای مطبوعات ایران ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱ در سال ۱۳۷۲ منتشر شد.

استاد افشار مشوق یکی دو تن نبود. بسیاری بر اثر گفته‌های او در



## جهان کتاب

از مجموعه «دانش و فن برای همه»

منتشر کرده است:

### سفر در زمان

آشنایی با برخی از مفاهیم فیزیک نوین و شناخت جهان

جان و مری گریبین

ترجمه

دکتر محمدرضا غفاری

چاپ اول. ۱۶۸ص. مصور. ۳۰۰۰ تومان

### جهان به کجا می رود؟

دکتر علی افضل صمدی

چاپ اول. ۱۸۰ص. مصور. ۳۲۰۰ تومان

### از بی نهایت بزرگ تا بی نهایت کوچک

دکتر علی افضل صمدی

چاپ دوم. ۱۹۶ص. مصور (رنگی). ۴۰۰۰ تومان

### انرژی اتمی

شکست یا پیوست اتم‌ها، نیروگاه‌های اتمی، سوخت اتمی و غنی‌سازی، زیباله‌های اتمی و آثار زیست‌محیطی مواد پرتوزا

دکتر علی افضل صمدی

چاپ سوم. ۱۹۶ص. مصور. ۳۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

پخش گزیده ۶۶۴۰۰۹۸۷

پخش پیام امروز ۶۶۴۹۱۸۸۷

پخش سرزمین ۶۶۹۶۷۰۰۷

یک حوزه پایدار ماندند. جست و جوهایم نشان می‌دهد که تشویق دیگران به وسیله افشار عمری بیش از شصت سال دارد. در زمینه تاریخ مطبوعات، او نخست مشوق زنده یاد سیدمحمد صدر هاشمی مؤلف اثر ارزنده تاریخ جراید و مجلات ایران بود و در مجله جهان نو (س ۶، ش ۴، ۱۳۳۰) درباره کتاب او «تقریظ»ی نوشت که در مقدمه جلد چهارم به چاپ رسید. افشار در این نوشته با اشاره به پیشینه کار، فواید اثر را بر شمرد و نکته‌هایی را به صدر هاشمی پیشنهاد داد.

صدر هاشمی نیز در نامه‌ای با تاریخ «۳۰/۴/۱۳۰۲» و عنوان «حضرت آقای ایرج افشار ملاحظه فرمایند»، ضمن سپاسگزاری، پاسخ‌گونه‌ای برای افشار فرستاد و نامه را با «ارادتمندم. صدر هاشمی» به پایان برد.

نکته‌ای که در پایان لازم است بدان اشارت رود این است که خدمت پژوهشی افشار به تاریخ مطبوعات ایران محدود نمی‌شود. از این رو، امیدوارم مورخان سینما، تئاتر، شعر، موسیقی، عکاسی و سایر هنرها و به طور کلی تاریخ‌نگاران عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی، هنری، ورزشی و دیار پژوهان ایرانی درباره خدمات راهگشای ایرج افشار در حوزه‌های کاری خود بنگارند تا سهم و حق او در سایر رشته‌ها نیز شناسانده و نمایان شود.

راز نویسنده  
دینو یوزانی (۲)  
ترجمه: نادیا معاونی  
چاپ اول: ۱۳۹۰

من از دروسهای روزمره زیاد فراس نداشتیم، مشکله‌ها، تلفن‌های طرفداران، مصاحبه، قرارهای ملاقات، گفت‌وگوهای مطبوعاتی، عکاس‌ها، رادیو و کلیه دل‌نگرانی من چیز دیگری بود.

این مجموعه داستان جزو آخرین آثار دینو یوزانی به شمار می‌رود. داستان‌هایی با طعم بحر اجتماعی همراه با اشارات حورالبین که با معانی و تفسیر کتابیات متفاوتی که در هم می‌آیزند.

www.ketab.com  
www.ketab.com